

مبانی ضرر غیر مستقیم قابل جبران در حقوق ایران و انگلیس*

- مجتبی زمانی^۱
- سهیل طاهری^۲
- پژمان پیروزی^۳
- علیرضا مظلوم رهنی^۴

چکیده

در حقوق ایران، قاعده کلی این است که ضرر غیر مستقیم قابل جبران نیست. با وجود این، امروزه حقوق مسئولیت تمایل دارد به طور استثنایی، برخی زیان‌های غیر مستقیم را قابل جبران بداند. در حقوق انگلستان، چنانچه ضرر

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۲۰ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۲/۱۷.

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی (واحد شهر قدس - ایران) (m.zamani24062@gmail.com).
۲. استادیار دانشکده حقوق دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی (واحد شهر قدس - ایران) (نویسنده مسئول) (s.taheri@godsiau.ac.ir).
۳. استادیار دانشکده حقوق دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی (واحد شهر قدس - ایران) (p.piruzi@godsiau.ac.ir).
۴. استادیار دانشکده حقوق دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی (واحد شهر قدس - ایران) (a.mazloom@godsiau.ac.ir).

غیر مستقیم در حوزه پیش‌بینی طرفین آمده باشد، قابل جبران است. در این کشور، نظریه‌هایی وجود دارند که به مرور در رویه قضایی تثبیت شده و مبنای جبران ضرر غیر مستقیم را تشکیل می‌دهند. تئوری‌های نقض عهد کارا، نفع متوقع، نفع اتکاء، استرداد و اصل جبران کامل خسارات، هر یک به نوعی جبران ضرر غیر مستقیم را در انگلیس توجیه‌پذیر نموده‌اند. در حقوق ایران نیز اگرچه همواره به لزوم مستقیم بودن ضرر تأکید شده است، لیکن قواعد فقهی و حقوقی محکمی وجود دارند که به طور استثنایی می‌توان ضرر غیر مستقیم قراردادی و غیر قراردادی را با توسل به آن‌ها قابل جبران دانست. سببیت، لاضرر، احترام، مقابله به مثل و بنای عقلا قواعدی هستند که می‌توانند به عنوان مبنای جبران ضرر غیر مستقیم در حقوق ایران مورد شناسایی قرار گیرند.

واژگان کلیدی: خسارت، ضرر، مسئولیت، جبران‌پذیری.

مقدمه

در حقوق ایران و بسیاری از کشورهای دیگر، «مستقیم بودن» به عنوان یکی از شرایط ضرر قابل جبران معرفی شده است. غالب حقوق‌دانان ایران معتقدند منظور از مستقیم بودن ضرر این است که بین ضرر وارده و فعل زیانبار، رابطه سببیت عرفی برقرار باشد؛ به نحوی که بتوان گفت ضرر عرفاً ناشی از فعل فاعل زیان یا نقض عهد متعهد است. بر این مبنا، ضرر غیر مستقیم و باواسطه را باید با توسل به رکن سببیت مورد شناسایی قرار داد. چه بسا در عالم واقع، واسطه‌ای بین ضرر و فعل زیانبار وجود داشته باشد، اما عرف ضرر وارده را منسوب به فاعل زیان بداند. ماده ۶ قانون مسئولیت مدنی^۱ نمونه روشنی از ضرر غیر مستقیم قابل جبران در حقوق ایران است. اگرچه بسیاری از حقوق‌دانان کوشیده‌اند که ضرر مندرج در این ماده را ضرر مستقیم بدانند، لیکن غیر مستقیم بودن این گونه ضررها بدیهی است. به غیر از ضرر مندرج در ماده مرقوم،

۱. «... در صورتی که در زمان وقوع آسیب، زیان‌دیده قانوناً مکلف بوده و یا ممکن است بعدها مکلف شود شخص ثالثی را نگاهداری نماید، در اثر مرگ او، شخص ثالث از آن حق محروم گردد، واردکننده زیان باید مبلغی به عنوان مستمری متناسب با مدتی که ادامه حیات آسیب‌دیده عادتاً ممکن و مکلف به نگاهداری شخص ثالث بوده، به آن شخص پرداخت کند. در این صورت تشخیص میزان تأمین که باید گرفته شود، با دادگاه است. در صورتی که در زمان وقوع آسیب، نطفه شخص ثالث بسته شده و یا هنوز طفل به دنیا نیامده باشد، شخص مزبور استحقاق مستمری را خواهد داشت».

مصادیق دیگری از ضرر غیر مستقیم را می‌توان نام برد که امروزه حقوق مسئولیت مدنی آن‌ها را قابل جبران می‌داند. ضرر ناشی از اعتماد به طرف مقابل به موجب بند «د» ماده ۴۸ شرایط عمومی پیمان،^۱ ضرر جمعی و عدم النفع محقق‌الحصول، نمونه‌هایی از این دست هستند که در دکترین حقوقی ایران قابل مطالبه دانسته شده‌اند. با توجه به قاعده‌ای که ماده ۵۲۰ قانون آیین دادرسی مدنی بنا نهاده، ضرر غیر مستقیم علی‌الاصول قابل جبران نیست. لیکن به عقیده دکترین، مواردی از ضرر غیر مستقیم را با توسل به مبانی فقهی و حقوقی می‌توان جبران نمود. بر خلاف حقوق ایران، در حقوق انگلستان مستقیم بودن با این صراحت جزء شرایط ضرر قابل جبران نیست. در این کشور برای قابل جبران بودن ضرر لازم است زیان وارده از فعل زیانبار «دور»^۲ نباشد. بر این پایه، ضرر ولو غیر مستقیم چنانچه در حوزه پیش‌بینی متعارف طرفین آمده باشد، قابل جبران است. حقوق مسئولیت امروزه تمایل دارد با توسل به اصل جبران کامل خسارات به نحو جامع وضعیت زیان‌دیده را ترمیم و زیان‌های وارده به وی را جبران نماید. باید توجه داشت که گشودن بی‌حد و حصر دروازه مسئولیت نیز شایسته نیست و نباید از این رهگذر، هزینه‌ای بدون دلیل به فاعل زیان تحمیل گردد. پس ناگزیر باید برای مسئولیت حدودی در نظر گرفت.

با اینکه حقوق‌دانان ما معتقدند مستقیم بودن ضرر و دور نبودن زیان، یکی از حدود تعیین‌شده برای جبران خسارت است، گاهی جبران ضرر غیر مستقیم، منطقی و عادلانه به نظر می‌رسد. لیکن برای نیل به این مقصود باید منابع فقهی و حقوقی، استعداد و ظرفیت لازم را داشته باشند. در غیر این صورت، جبران ضرر غیر مستقیم ناممکن خواهد بود. در کشور انگلستان که حقوق آن بیشتر متکی بر عرف و دکترین تثبیت‌شده

۱. «هر گاه پیش از اتمام کارهای موضوع پیمان، کارفرما بدون آنکه تقصیری متوجه پیمانکار باشد، بنا به مصلحت خود یا علل دیگر، تصمیم به خاتمه دادن پیمان بگیرد، خاتمه پیمان را با تعیین تاریخ آماده کردن کارگاه برای تحویل، که نباید بیشتر از ۱۵ روز باشد، به پیمانکار ابلاغ می‌کند... اقدامات بعد از خاتمه دادن پیمان به شرح زیر است: ... در صورتی که پیمانکار به منظور اجرای موضوع پیمان، در مقابل اشخاص ثالث تعهداتی کرده است و در اثر خاتمه دادن به پیمان، ملزم به پرداخت هزینه و خسارت‌هایی به آن اشخاص گردد، این هزینه‌ها و خسارت‌ها پس از رسیدگی و تأیید کارفرما به حساب بستانکاری پیمانکار منظور می‌گردد».

2. Remote.

در رویه قضایی می‌باشد، جبران‌پذیری ضرر غیر مستقیم اندکی سهل‌تر است. در حقوق ایران نیز مبانی قابل قبولی برای جبران ضرر غیر مستقیم وجود دارد. در ادامه، ضمن تبیین نظریاتی که در حقوق انگلستان به عنوان مبنای ضرر غیر مستقیم معرفی شده‌اند، مبانی قابل ارائه برای جبران استثنایی ضرر غیر مستقیم در حقوق ایران معرفی خواهد شد.

۱. مبانی لزوم جبران خسارات ناشی از ضرر غیر مستقیم در حقوق انگلیس
در حقوق انگلستان، مبانی ضرر غیر مستقیم را باید از میان نظریات و تئوری‌هایی استخراج نمود که در گذر زمان در رویه قضایی مؤثر واقع شده‌اند. مهم‌ترین نظریاتی که می‌توان آن‌ها را به عنوان مبنای ضرر غیر مستقیم قراردادی و غیر قراردادی در کشور انگلستان معرفی نمود، عبارت‌اند از:

۱-۱. نقض عهد کارا^۱

مطابق این قاعده، به متعهد قرارداد اجازه داده شده است تا چنانچه به هر دلیل احساس کند که از نتایج نقض عهد، منافع بیشتری به دست خواهد آورد، بتواند قرارداد را نقض و از انجام تعهد مندرج در آن خودداری کند، مشروط بر اینکه کلیه خسارات وارده به متعهدله را جبران نماید.^۲ این نظریه به نوعی بیانگر اعمال اصل جبران کامل خسارات در کامن‌لاست؛ چه اینکه فلسفه جبران خسارت این است که وضعیت زیان‌دیده را در حالتی قرار دهد که در صورت ایفای تعهد، در آن وضعیت قرار می‌گرفت (راف، ۱۳۹۰: ۲۴۵). بر این مبنا، متعهد در صورتی مجاز به نادیده گرفتن تعهد خویش است که علاوه بر زیان‌های مستقیم، هر گونه خسارت غیر مستقیم را که در

1. Efficient Breach.

2. "In summary, breach is efficient when, as a result of a windfall or an accident, the resources needed for performance are more valuable in an alternative use. Incentives for breach are efficient when the transfer of resources to the highest-valued use is accomplished at the lowest transaction costs and in such a way that no one is made worse off by the transfer and at least one person is made better off" (Alpa & Giampieri, Accessed 2019 October 11).

سیر طبیعی امور از نقض عهد ناشی می‌شود و به نوعی بازتاب زیان اصلی است، جبران کند؛ برای مثال در قرارداد فروش مواد اولیه، خریدار علاوه بر اینکه انتظار دریافت مبیع را دارد، انتظار دارد که مواد اولیه را در جهت خاص همچون بافروش آن برای تولید محصول دیگر استفاده کند. امتناع فروشنده از انجام تعهداتش موجب می‌گردد که خریدار از دو نوع منفعت محروم شود؛ منفعت نخست منفعت مستقیم و منفعت دوم منفعت غیر مستقیم است (Treitel, 1998: 84) که متعهد مکلف به جبران آنهاست. بنابراین با اعمال قاعده فوق، منافع زیان‌دیده تضمین شده و او می‌تواند حقوق و منافعی را که به طور مستقیم یا غیر مستقیم از قرارداد انتظار داشت، از طریق دریافت خسارت محقق کند. اعمال این نظریه در جبران خسارت علاوه بر نفع شخصی طرفین، می‌تواند منافع اجتماعی و اقتصادی نیز داشته باشد؛ چه اینکه ناقض قرارداد با جبران خسارت نه تنها از زیان‌دیده دلجویی نموده، بلکه خود نیز به سود بیشتری دست یافته است، ضمن آنکه عملکرد او به رونق اقتصادی و گردش ثروت نیز کمک کرده است (Bell & Others, 1998: 49).

۲-۱. نفع متوقع^۱

بر اساس این نظریه، ناقض قرارداد باید وضعیت زیان‌دیده را به حالتی برگرداند که گویی هیچ اتفاقی روی نداده است.^۲ به عبارت دیگر، اقدام عامل زیان در جبران خسارت باید به نحوی باشد که انجام یا عدم انجام قرارداد برای زیان‌دیده بی‌تأثیر باشد. ضوابطی که از مفاد قرارداد استخراج می‌گردد، باید به نحوی باشد که متعهدله را از اجرا یا عدم اجرای آن نگران نکند (Friedmann, 2001: 3)؛ برای مثال، در دعوی رابینسون علیه هارمن^۳ قاضی پارک^۴ چنین استدلال نمود:

1. Expecting Interest.

۲. نخستین بار فولر و پردیو از اصطلاح ضرر متوقع استفاده نموده‌اند (Fuller & Perdue, 1936: 373). پروفیسور فریدمن در آثار خود به جای واژه "expectation damage" از واژه "performance damage" استفاده نموده است.

3. Robinson v. Harman.

4. James Parke.

«چنانچه یک طرف قرارداد، در اثر تخلف طرف دیگر متحمل ضرر گردد، زیان‌زننده تا حد امکان باید خسارت وارده را با پول جبران کند تا جایی که طرف زیان‌دیده در وضعیتی قرار گیرد که گویی قرارداد اجرا شده است»^۱.

با اعمال این قاعده، خواهان به عدم‌النتفع و منافی که از اجرای قرارداد انتظار داشته، دست خواهد یافت (Eisenberg, 2006: 979). منظور از عدم‌النتفع، منافع از دست‌رفته‌ای است که زیان‌دیده به طور معقول می‌توانست از اجرای قرارداد به دست آورد (Garner, 2004: 417).

همان‌طور که گفته شد، قرار دادن زیان‌دیده در وضعیت اجرای قرارداد، هدف اصلی جبران خسارت است (Garner, 2004: 431; Pearce & Halson, 2008: 74). بدین ترتیب طرف قرارداد دیگر نسبت به انجام یا عدم انجام قرارداد بی‌تفاوت خواهد بود؛ زیرا اگرچه قرارداد اجرا نشده، اما خواهان عملاً چیزی را از دست نداده است. قاعده اخیر به «اصل بی‌تفاوتی»^۲ نیز معروف است (Friedmann, 2001: 3). این تئوری می‌تواند حاوی این امتیاز برای طرف قرارداد باشد که او بتواند ضررهای غیر مستقیم ناشی از نقض را از طرف خود مطالبه کند؛ چه اینکه نادیده گرفتن قرارداد از سوی طرف مقابل، منوط به جبران تمامی ضررها از جمله ضررهای غیر مستقیم است.

نتیجه متوقع در مسئولیت قهری نیز قابل تصور است؛ گاهی اوقات عملکرد فاعل زیان به نحوی است که رفتار منجر به ورود زانی می‌شود و این زیان به مراتب بیش از آن چیزی است که معمولاً انتظار آن می‌رود. به عبارت دیگر، زیان اصلی موجب می‌گردد زیان‌دیده منافی را که به طور معمول و در سیر طبیعی امور انتظار داشته، از دست بدهد (Cooke, 2009: 513).

1. The Court of Exchequer Chamber held that where a party agrees to grant a good and valid lease, having full knowledge that he has no title, the plaintiff, in an action for the breach of such agreement, may recover, beyond his expenses, damages resulting from the loss of his bargain; and the defendant cannot, under a plea of payment of money into court, give evidence that the plaintiff was aware of the defect of title.
2. Indifference principle.

تأثیر نظریه نفع متوقع را در مواد ۹۰۲-۹ و ۵۰۳-۹ اصول قراردادهای اروپا نیز می‌توان دید. بر مبنای این دو ماده، زیان‌دیده می‌تواند خسارات غیر مستقیم و تبعی را که در حوزه پیش‌بینی متعارف و مورد انتظار خود از قرارداد بوده، از طرف مقابل مطالبه نماید.

۳-۱. نفع اتکا و اعتماد^۲

بر مبنای یک قاعده مهم، «زیان‌دیده می‌تواند در برخی شرایط خاص به جای مطالبه خسارت متوقع، خواستار جبران خسارت اتکایی شود» (راف، ۱۳۹۰: ۲۴۷). بر پایه این تئوری، از آنجا که متعاقدين با اتکا و اعتماد به تعهدات قراردادی طرف مقابل، مبادرت به امضای قرارداد می‌نمایند، قرارداد باید آن‌ها را بر مبنای این اعتماد، مورد حمایت قرار دهد؛ بدین معنا که در صورت تخلف طرف مقابل، زیان‌دیده در پرتو اتکا و اعتمادی که به ایفای تعهدات طرف مقابل داشته، حق دارد تمام خسارات ناشی از نقض تعهد را از او مطالبه کند.

به طور معمول، طرفین قرارداد ممکن است دو انتظار از قرارداد داشته باشند. انتظار نخست، انتظار ایفای تعهد طرف مقابل مبنی بر انجام موضوع اصلی قرارداد است. انتظار دوم منافی است که در اثر انجام تعهد اصلی به هر یک از طرفین رسیده و انگیزه و داعی آن‌ها برای انجام موضوع اصلی قرارداد است. بنابراین زیان اصلی و تبعی ناشی از اتکای اساسی و تبعی را باید از یکدیگر تفکیک نمود. زیان‌های اصلی زیان‌هایی هستند که تحت اعتماد متعاقدين به دریافت عوض اصلی، به طرف قرارداد تحمیل می‌شوند. اتکای تبعی به قرارداد نیز موجب هزینه‌های جنبی است که متعاقدين

1. Article 9:502: General Measure of Damages

The general measure of damages is such sum as will put the aggrieved party as nearly as possible into the position in which it would have been if the contract had been duly performed. Such damages cover the loss which the aggrieved party has suffered and the gain of which it has been deprived.

Article 9:503: Foreseeability

The non-performing party is liable only for loss which it foresaw or could reasonably have foreseen at the time of conclusion of the contract as a likely result of its non-performance, unless the non-performance was intentional or grossly negligent.

2. Reliance interest.

به امید اجرای قرارداد متحمل شده‌اند (Friedmann, 2001:16): مثلاً یک گروه فیلم‌سازی که آماده ساخت یک فیلم است، با یک بازیگر قرارداد امضا می‌کند و با اتکا بر اینکه بازیگر یادشده در این پروژه حضور خواهد داشت، پروژه کلید می‌خورد و فیلم‌ساز به منظور آماده نمودن شرایط ساخت فیلم، هزینه‌هایی را انجام می‌دهد؛ محل فیلم‌برداری اجاره می‌شود؛ تدارکات لازم پیش‌بینی، لباس و تجهیزات مربوطه نیز خریداری می‌شود؛ لیکن در میانه کار، بازیگر مورد نظر از ادامه کار منصرف شده و از حضور در محل فیلم‌برداری خودداری و زیان هنگفتی را به فیلم‌ساز وارد می‌کند. این خسارات را می‌توان بر پایه تئوری نفع اتکا مطالبه کرد (Stone, 2002: 435)؛ همچنان که در دعوی آنجلیا تی. وی. علیه رید، این خسارات توسط دادگاه استیناف مورد پذیرش واقع شده است.^۱

۴-۱ نفع ایفا^۲

نفع ایفا به این معناست که خواهان مستحق دریافت خساراتی است که از عدم ایفای قرارداد ناشی شده است. به موجب مفاد قرارداد و اصل لزوم، متعهدله می‌تواند به طور طبیعی متعهد را به ایفای تعهداتش ملزم نماید. بر این مبنا، خواننده باید تمامی آثار ناشی از عدم ایفای قرارداد را تقبل نماید (Dobbs, 1993: 38). مفاد این قاعده همانند اصل لزوم قراردادها در حقوق ایران و عموم قاعده «أوفوا بالعقود» در فقه است. نتیجه‌ای که از این تئوری حاصل می‌گردد، همانند تئوری نقض عهد کاراست؛ با این تفاوت که نقض عهد کارا در پی اعطای اختیار به متعهد برای نادیده گرفتن تعهداتش است، اما رویکرد نفع ایفا در جهت احقاق حقوق متعهدله است.

1. Lord Denning MR held that expenditure incurred before could be claimed, so long as it was within the contemplation of the parties. Here Reed would have known of considerable expense.

“It is true that, if the defendant had never entered into the contract, he would not be liable, and the expenditure would have been incurred by the plaintiff without redress; but, the defendant having made his contract and broken it, it does not lie in his mouth to say he is not liable, when it was because of his breach that the expenditure has been wasted.”

2. Performance interest.

در حقوق کامن‌لا، پرداخت خسارت به زیان‌دیده به نوعی بدل اجرای تعهد اصلی است. یک قاعده پذیرفته‌شده وجود دارد که «اگر قرارداد را اجرا نکنی، باید خسارت پردازی»^۱ (Holmes, 1897: 462). بنابراین قرارداد فارغ از تعهد اصلی، دارای یک بدل و تعهد جانشین است که طرفین به طور ضمنی آن را پذیرفته‌اند. بدل تعهد، خسارت پولی^۲ است که در صورت تخلف متعهد، جایگزین تعهد اصلی می‌شود (نعمت‌اللهی، ۱۳۹۵: ۱۳۶). این تئوری با ساختار حقوق انگلستان که پرداخت خسارت را به عنوان یک اصل مورد پذیرش قرار داده، کاملاً هماهنگ است. لیکن در حقوق کشورهای رومی-ژرمنی^۳ و حقوق ایران که اصل اولیه اجرای عین تعهد است، به دشواری قابل پذیرش است. البته در حقوق انگلستان نیز پرداخت خسارت به عنوان جایگزین تعهد اصلی همواره در قرارداد ذکر نمی‌شود و در بسیاری از موارد، آنچه مقبول متعاقدین است، اجرای عین تعهد است نه تعهد جایگزین (Gold, 2009: 55). لذا باید گفت که نظریه اجرای تعهد را نمی‌توان یک مبنای قاطع برای جبران ضررهای غیر مستقیم در نظر گرفت. با وجود این، گفته می‌شود آنچه را که متعاقدین بر مبنای حاکمیت اراده مورد توافق قرار می‌دهند، نوعی قانون‌گذاری است. بنابراین اجرای قرارداد به منزله اجرای یک قانون خصوصی است که طرفین آن را وضع نموده‌اند؛ برای مثال اگر یک طرف قرارداد تعهد کند که در موعدی معین، ساختمانی را برای طرف مقابل بنا کند، او ملزم به ساختن بنای مورد تعهد است؛ زیرا طرفین با تراضی یکدیگر، قاعده‌ای الزام‌آور را وضع نموده‌اند (Fuller & Perdue, 1936: 58). متعاقدین می‌توانند میزان و شیوه جبران خسارت را نیز

1. If you do not comply with the contract, you must pay damages.

2. Substitutionary relief in money.

۳. در ماده ۲۰۳ قانون مدنی مصر آمده است: «پس از اخطار به تعهد مطابق مواد ۲۱۹ و ۲۲۰ در صورت امکان، متعهد ملزم به اجرای عین تعهد می‌گردد... مع‌هذا هر گاه اجرای عین تعهد برای متعهد دشوار و سنگین باشد، می‌تواند ایفای تعهد را به تأدیه مبلغی پول به عنوان غرامت محدود کند، مشروط بر اینکه روش اجرا، ضرر شدیدی متوجه متعهدله نکند».

همچنین ماده ۲۱۵ قانون مدنی این کشور بیان می‌دارد: «هر گاه برای متعهد، اجرای عین تعهد ممکن نباشد، به خاطر عدم ایفای تعهد، محکوم به پرداخت خسارت خواهد شد، مگر ثابت شود عدم امکان اجرا ناشی از سبب خارج از حیطه اختیار او بوده است. این اصل در صورتی که متعهد در اجرای تعهد تأخیر ورزد نیز اعمال می‌شود».

پیش‌بینی نموده و بر این مبنا از بروز اختلافات آتی جلوگیری کنند. اراده طرفین چنان قدرتی دارد که می‌تواند الزامات قانونی موجود را نیز نادیده گرفته و خود قدرت عمل را به دست گیرد. با این حال به دشواری می‌توان از مفاد قراردادی که در آن صحبتی از جبران خسارات غیر مستقیم به میان نیامده است، اراده ضمنی طرفین را کشف نمود.

۵-۱. اعاده یا استرداد^۱

بر مبنای این نظریه چنانچه قرارداد نقض شود، طرف متخلف باید هر آنچه را که تحت رژیم قرارداد به دست آورده است، به طرف مقابل مسترد کند (Stone, 2002: 435). این نظریه مبتنی بر یک قاعده مهم در حقوق انگلستان است که بیان می‌دارد:

«در صورت فقدان کلی عوض،^۲ طرف زیان‌دیده می‌تواند جبران خسارت اعاده‌ای را مطالبه کند» (راف، ۱۳۹۰: ۲۴۸).

فلسفه این امر، جلوگیری از دارا شدن ناعادلانه یا بلاجهت ناقض قرارداد است (Kull, 2006: 570). اعمال این قاعده در پرونده دی. ا. فرگوسن اند اسوشییتز علیه سول^۳ به وضوح مشاهده می‌گردد. خواهان که یک پیمانکار ساختمانی بود، قراردادی را برای انجام امور ساختمانی در ازای ۳۲۱۹۴ پوند منعقد کرد. خواهان کار را به طور ناقص انجام داد. به همین علت خواننده مبلغ ۲۶۷۳۸ پوند از قرارداد را به خواهان پرداخت نمود؛ در حالی که ارزش کار انجام‌شده توسط خواهان تنها ۲۲۰۶۵ پوند بود. سپس خواننده ادامه کار را با مبلغی کمتر از مبلغ قرارداد به پیمانکاری دیگر واگذار کرد. خواهان برای مطالبه خسارت علیه خواننده طرح دعوی نمود. متقابلاً خواننده نیز دعوی را برای استرداد اضافه پرداختی خود علیه خواهان مطرح نمود. دادگاه استیناف چنین استدلال کرد که خواننده می‌تواند مبلغ مازاد پرداخت‌شده را مطالبه کند؛ زیرا عوض قرارداد اساساً موجود نیست (راف، ۱۳۹۰: ۲۴۸). از مفاد این نظریه چنین استنباط می‌گردد که هدف از جبران خسارت، تغییر وضعیت فاعل زیان است نه زیان‌دیده. استرداد اعیان

1. Ristitutionintrest.
2. Considration.
3. D. O. Ferguson & Associates v. M. Sohl.

و منافی است که از قرارداد به دست آمده است، معمولاً بهترین طریق ترمیم و جبران خسارت است. خسارات تبعی و غیر مستقیم نیز می‌توانند در میان آنچه زیان‌زننده باید نسبت به پرداخت آن قیام کند، مورد محاسبه قرار گیرند (بادینی و دیگران، ۱۳۹۵: ۹۹).

۶-۱. جبران کامل خسارات^۱

اصل جبران کامل خسارات که با عنوان اصل «اعاده به وضع سابق» نیز از آن یاد می‌شود^۲ (بادینی و دیگران، ۱۳۹۵: ۱)، به این معناست که جبران خسارت باید کامل و دقیق باشد، به نحوی که حتی الامکان وضعیت زیان‌دیده را به حالت قبل از زیان برگرداند. بنابراین جبران خسارت نباید کمتر یا بیشتر از میزان زیان باشد (Wijck & Winters, 2001: 319). جبران خسارت باید به نحوی باشد که با زیان وارده برابری کرده و کافی باشد. به عبارت دیگر غرامتی که به زیان‌دیده داده می‌شود باید از چنان پوششی برخوردار باشد که از فقیرتر شدن زیان‌دیده جلوگیری کند (قسمتی تبریزی، ۱۳۹۴: ۱۳۶). حقوق انگلیس، اصل فوق را در حوزه مسئولیت قهری و قراردادی پذیرفته است (Elliot & Quinn, 2009: 392). بر مبنای اصل یادشده، برای جبران‌پذیری خسارت نیازی به تصریح قانون نیست، بلکه داوری عرف در این خصوص کفایت می‌کند^۳ (خادم سربخش و سلطانی‌نژاد، ۱۳۹۲: ۲۶).

در مسئولیت قراردادی، هدف اصلی این است که با پرداخت خسارت، متعهدله در وضعیت انجام تعهد قرار گیرد. این کارکرد با مفهوم اصل جبران کامل خسارات منطبق است؛ زیرا با اجرای اصل جبران کامل خسارات، زیان‌دیده علاوه بر تعهد اصلی، به منافی است که از قرارداد انتظار داشته نیز دست می‌یابد (راف، ۱۳۹۰: ۲۴۵). بنابراین اصل

1. Full compensation.

2. Restoration to original condition.

۳. در حقوق ایران، اصل ۴۰ قانون اساسی و ماده ۲۲۱ قانون مدنی و ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی را به عنوان مبنای پذیرش اصل جبران کامل خسارات دانسته‌اند. در آراء فقهای امامیه نیز عباراتی می‌توان یافت که تمایل پذیرش این اصل در فقه را نشان می‌دهد (حسینی مراغی، ۱۴۱۷: ۳۱۲/۱ و ۳۲۰/۲؛ موسوی بجنوردی، ۱۳۸۰: ۲۰۵؛ محقق داماد، ۱۳۸۵: ۱۳۱/۱). برخی از ایشان، روایات وارده از حضرت امام صادق (علیه السلام) را که دلالت بر لزوم تسبیب در احراز ضمان دارند، در اثبات اصل لزوم جبران کامل خسارات مورد استناد قرار داده‌اند (حسینی مراغی، ۱۴۱۷: ۳۲۰/۱).

جبران کامل خسارات زمانی می‌تواند مبنای جبران ضررهای غیر مستقیم قرار گیرد که فلسفه جبران خسارت، قرار دادن زیان‌دیده در وضعیت انجام تعهد باشد.

اصل جبران کامل خسارات می‌تواند زیان‌های منجر به تلف عین اموال، منافع و عدم‌النفع را نیز پوشش دهد؛ مثلاً در حادثه تصادف خودرو، هزینه‌هایی مانند کاهش ارزش، هزینه‌های بی‌حرکتی خودرو و محرومیت از استفاده آن، همگی جزء خسارات غیر مستقیمی هستند که داخل در گستره این اصل قرار می‌گیرند (Lapoyade-Deschamps, 1997: 207). همچنین در زیان‌های وارده به جسم و جان، هزینه‌های معالجات و مراقبت‌های جدید پزشکی و کلیه هزینه‌هایی که در حالت معمولی، امکان جبران آن‌ها وجود ندارد، می‌توانند با استناد به اصل جبران کامل خسارات قابل وصول باشند (قسمتی تبریزی، ۱۳۹۴: ۱۵۴).

در حقوق فرانسه به استناد این اصل، حکم به جبران ضررهای ناشی از عدم‌النفع داده شده است (Bell & Others, 1998: 349). اگرچه کارکرد این اصل در حقوق انگلیس به مانند حقوق فرانسه نیست، اما اصل مذکور به عنوان یک قاعده مهم برای جبران برخی از خسارات در سیستم قضایی انگلیس پذیرفته شده است (Markesinis & Deakin, 2007: 691)؛ مثلاً در خسارات جسمی و ضررهای وارده به عین و منافع اموال، این قاعده اعمال می‌گردد، اما در ضررهای اقتصادی محض، این قاعده کاربرد ندارد (Ibid.: 80-82). علت این امر آن است که به طور کلی، سیستم حقوقی انگلستان در امر جبران خسارت، یک نظام سختگیر و بسته است. با این حال در ضررهای تبعی و غیر مستقیم که به اعیان و منافع اموال وارد می‌شود، می‌توان اصل جبران کامل خسارات را به عنوان مبنایی برای جبران خسارت پذیرفت. این قاعده در دعوای رایینسون علیه هارمن^۱ اجرا شده است.^۲ در این پرونده پذیرفته شد که هدف

1. Robinson v. Harman.

2. The Court of Exchequer Chamber held that where a party agrees to grant a good and valid lease, having full knowledge that he has no title, the plaintiff, in an action for the breach of such agreement, may recover, beyond his expenses, damages resulting from the loss of his bargain; and the defendant cannot, under a plea of payment of money into court, give evidence that the plaintiff was aware of the defect of title....

اصلی از پرداخت خسارت، قرار دادن زیان‌دیده در وضعیت اجرای قرارداد است. خواننده که مالک واقعی خانه نبود، با خواهان توافق نمود که خانه را با اجاره‌بهای سالانه ۱۱۰ پوند به خواهان اجاره دهد. خواهان به جهت نقض قرارداد ناشی از عدم مالکیت خواننده، علیه او طرح دعوی نمود. در رأی صادره این دعوی گفته شد که هدف از جبران خسارات ناشی از نقض قرارداد آن است که طرفین عقد را در موقعیتی قرار دهد که در صورت اجرای عقد، در آن وضعیت قرار می‌گرفتند.^۱

در دعوای اسپارتان استیل علیه مارتین^۲ نیز تفکیک خسارات غیر مستقیم وارده به اموال و ضرر اقتصادی محض را می‌توان ملاحظه نمود. در این دعوی بر اثر بی‌احتیاطی خواننده، کابل برق کارخانه خواهان که به تولید و فروش ظروف استیل اشتغال داشت، قطع شد. در نتیجه این بی‌احتیاطی خواننده، کوره‌های ذوب آهن کارخانه از حرکت افتاد و آهن مذاب آن سرد و منقبض شد. خواهان علیه خواننده طرح دعوی نمود و خسارت ناشی از سفت شدن آهن کوره، ضرر سودی که از فروش ظروف تولیدشده با آهن مذاب به دست می‌آمد و ضرر مورد انتظاری را که کارخانه در مدت قطع برق از آن محروم شده بود، مطالبه کرد. لیکن دادگاه صرفاً نسبت به جبران ضرر اول و دوم، خواننده را محکوم نمود و خسارت سوم را قابل جبران ندانست.^۳ این قاعده تأییدی بر اصل جبران کامل خسارات است که در حقوق انگلستان اجرا می‌شود و خواهان را قادر می‌سازد که با توسل به این قاعده، خسارات ناشی از زوال منفعت معامله و منافع متوقع

1. The rule of the common law is, that where a party sustains a loss by reason of a breach of contract, he is, so far as money can do it, to be placed in the same situation, with respect to damages, as if the contract had been performed.
2. Spartan Steel & Alloys Ltd. v. Martin & Co. (Contractors) Ltd.
3. The Court of Appeal, consisting of Lord Denning MR, Edmund-Davies LJ and Lawton LJ delivered a majority judgment (Edmund-Davies LJ dissenting), that the Spartan Steel could only recover the damages to their furnaces, the metal they had to discard and the profit lost on the discarded metal. They could not recover the profits lost due to the factory not being operational for 15 hours. Their main reasoning for this was that while the metal was physical damage and the lost profits was "directly consequential" upon the damage, the profits lost due to the blackout constituted "pure economic loss".

خود را نیز مطالبه نماید (راف، ۱۳۹۰: ۲۴۵).

با وجود اینکه در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا صراحتاً به این اصل اشاره نشده، شورای مشورتی کنوانسیون در تفسیر ماده ۷۴، این ماده را ناظر بر اصل جبران کامل خسارات و قرار دادن زیان‌دیده در وضعیت انجام تعهد دانسته است (بارراگراف و دیگران، ۱۳۷۴: ۸۸/۳). در ماده ۲-۴-۷ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی نیز به اصل مذکور تصریح شده است. در ماده ۲-۵-۹ اصول اروپایی قراردادهای، اگرچه به صراحت به این اصل اشاره نشده، لیکن تأکید گردیده جبران خسارت باید به نحوی باشد که زیان‌دیده را در وضعیت اجرای قرارداد قرار دهد. این مفهوم از جبران خسارت، همان‌طور که گفته شد، مبنایی برای جبران ضررهای مورد انتظار از قرارداد است. به عبارت دیگر، مبنای جبران ضررهای غیر مستقیم و تبعی ناشی از اقدام ناقض قرارداد در اصول اروپایی قراردادهای، اصل جبران کامل خسارات است (Tettenborn, 2008: 179).

۲. مبنای جبران استثنایی خسارات ناشی از ضرر غیر مستقیم در حقوق ایران

۱-۲. سببیت

در اصطلاح فقه، به چیزی سبب گفته می‌شود که اگر آن چیز نبود، شیء دیگر حاصل یا تلف نمی‌شد (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۵: ۲۳۸/۱). در عرصه مسئولیت مدنی، حقوق‌دانان سبب را امری می‌دانند که اگر محقق نمی‌شد، خسارتی نیز به بار نمی‌آمد (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۴۴۸). بنابراین در سببیت، مفهوم علیت نهفته است. از سوی دیگر در فقه، هر گاه فعل یک شخص با واسطه موجب تلف مال دیگری شود، زیان‌زننده را مسئول دانسته و این عمل را تسبیب می‌گویند (نجفی، ۱۳۶۲: ۴۶/۳۷)؛ محقق داماد، ۱۳۷۳: ۱۲۰/۱). همچنین گفته شده است:

«تسبیب عبارت است از انجام دادن یا ترک فعلی که در ایجاد صدمه یا وارد کردن زیان به طور مستقیم نقش مؤثری داشته باشد؛ به نحوی که اگر نباشد، آن جرم نیز واقع نشود» (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۵: ۲۳۸/۱).

۱. «... التسبیب وهو کل فعل يحصل التلف بسببه كحفر البئر فی غیر الملك، وكطرح المعائر فی المسالك بلا خلاف أجده فی أصل الضمان به، بل يمكن تحصيل الإجماع علیه...».

بنابراین از جهت تخصصی، بین اصطلاح تسبیب و سببیت تفاوت وجود دارد. هرچند که بعضاً در به کارگیری این دو دقت کافی به عمل نمی‌آید.

سابقه ضرر غیر مستقیم را در فقه باید بیشتر در ذیل سببیت جستجو کرد (نجفی، ۱۳۶۲: ۶۹/۳۷). اهمیت سببیت در حقوق ما انکارناپذیر است؛ مثلاً ماده ۳۳۲ قانون مدنی بیان می‌دارد:

«هر کس سبب تلف مالی بشود، باید مثل یا قیمت آن را بدهد و اگر سبب نقص یا عیب آن شده باشد، باید از عهده نقص قیمت آن برآید».

سابقه تقنین این ماده و ماده ۵۰۶^۱ قانون مجازات اسلامی به فقه برمی‌گردد.^۲ ماده ۳۳۲ قانون مدنی که به قابلیت انتساب ضرر به فاعل زیان اشاره دارد، یکی از ارکان مهم مسئولیت مدنی است؛ تا جایی که برخی تأثیر انتساب ضرر به فاعل زیان را اساسی دانسته و از قابلیت انتساب به عنوان مبنای مسئولیت مدنی سخن گفته‌اند^۳ (انصاری و مبین، ۱۳۹۰: ۱۹). در حقوق ایران برای اینکه فاعل زیان مسئول شناخته شود، باید بین عمل او و ضرر وارده رابطه سببیت عرفی برقرار باشد (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۳: ۷۹؛ حیاتی، ۱۳۹۲: ۵۶). بهترین معیار برای تشخیص ضررهای بالمباشره و بالتسبیب نیز عرف است (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۲۱۸؛ صفایی و رحیمی، ۱۳۹۳: ۷۹؛ پهرامی احمدی، ۱۳۹۰: ۴۵۴). این معیار از سوی فقها نیز تأیید گردیده است (حسینی مراغی، ۱۴۱۷: ۳۲۲/۱؛ حسینی عاملی، ۱۳۹۱: ۵۵/۱۸)؛

۱. تسبیب در جنایت آن است که کسی سبب تلف شدن یا مصدومیت دیگری را فراهم کند و خود مستقیماً مرتکب جنایت نشود، به طوری که در صورت فقدان رفتار او، جنایت حاصل نمی‌شد؛ مانند آنکه چاهی بکند و کسی در آن بیفتد و آسیب ببیند.

۲. صحیحه حلبی به نقل از امام صادق (ع): «کل شیء یضّر بطریق المسلمین فصاحبه ضامن لما یصیبه» (حزّ عاملی، ۱۳۷۶: باب ۹، ح ۱)؛ هر چیزی که در سر راه مسلمین قرار گیرد و به آن‌ها ضرر بزند، ضرورزننده مسئول پیامد آن است.

۳. صحیحه زراره به نقل از امام صادق (ع): «علیه ضمان لأنّ کلّ من حفر بئراً فی غیر ملکه کان علیه ضمان» (همان: باب ۷، ح ۱)؛ حافر چاه مسئول زیان [ناشی از افتادن دیگران در چاه] است؛ زیرا هر کس چاهی در غیر ملک خود حفر کند، ضامن است.

۳. مطابق این نظریه، مبنای مسئولیت «قابلیت انتساب ضرر» به فاعل زیان است. بنابراین جبران ضرر را باید از کسی خواست که ضرر منتسب به فعل یا ترک فعل اوست. تفاوت اساسی این نظریه با رابطه سببیت این است که در این نظریه، سببیت به عنوان مبنای مسئولیت مدنی مطرح می‌شود نه به عنوان رکن آن (انصاری و مبین، ۱۳۹۰: ۴).

رشتی، بی تا: ۳۵؛ موسوی خمینی، ۱۴۱۰: ۲/۲۶۴؛ موسوی سبزواری، بی تا: ۲۹/۱۴۰؛ مدرسی، ۱۴۲۵: ۱۰۰؛ نجم‌آبادی، ۱۴۲۱: ۵۶۳). از طرفی حقوق‌دانان ایران به صراحت شرط مستقیم بودن ضرر را مربوطه به احراز رابطه سببیت دانسته و گفته‌اند منظور از بلاواسطه بودن ضرر، فقدان کامل عوامل مداخله‌گر نیست، بلکه باید در نظر عرف، ضرر وارده منتسب به فعل زیانبار باشد؛ چرا که امور اجتماعی دارای چنان پیوستگی هستند که به دشواری می‌توان سبب زیان را صرفاً به یک علت نسبت داد (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۲۸۷)، هرچند که اسباب متعددی در پیدایش ضرر دخالت داشته باشند (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۳: ۱۹۶). بنابراین تشخیص ضرر غیر مستقیم در حقوق ما، ارتباط تام با مفهوم سببیت دارد و آنچه از کلام غالب حقوق‌دانان در مورد ضررهای غیر مستقیم استنباط می‌شود این است که بدون مبنای سببیت، بحث از مستقیم بودن ضرر بی‌معناست.

گرچه نظر مشهور در فقه این است که ضمان ناشی از تسبیب، منحصر به موردی است که مال موجودی تلف شود^۱ و فقها ضررهای غیر محقق را مال نمی‌دانند، لیکن این نکته نیز حائز اهمیت است که مفهوم مال، یک مفهوم عرفی است و ضرر وارده باید در نظر عرف مالیت داشته باشد (امامی، ۱۳۷۳: ۱/۲۴۶). با این وصف می‌توان گفت که قاعده تسبیب می‌تواند به عنوان مبنای ضرر غیر مستقیم مورد شناسایی قرارگیرد؛ چه اینکه عرف در جبران منافع غیر مستقیمی که زیان‌دیده به طور متعارف انتظار تحصیل آن‌ها را داشته و به سبب عمل زیانبار خوانده از آن محروم مانده است، تردید نمی‌کند.

۲-۲. لاضرر

در مورد مفهوم قاعده لاضرر در فقه اختلاف است. به طور کلی چهار نظر مهم درباره مفهوم این قاعده در فقه وجود دارند که عبارت‌اند از: نفی حکم ضرری (نراقی، ۱۴۰۴: ۱۸؛ غروی نائینی، ۱۴۱۸: ۳/۳۹۴؛ انصاری، ۱۴۱۴: ۱۱۴)، نفی حکم به لسان موضوع

۱. «... علی أن استفادة الضمان من القاعدة المزبورة متوقفة علی الانجبار بفتوی الأصحاب، إذ لا اقتضاء لها إلا عدم مشروعیة ما فيه الضرر والضرار فی الإسلام علی معنی النهی عن إيجاده، وهو إنما یقتضی حرمة ذلك، لا الجبر بالضمان المتوقف علی إرادة انتفاء وجوده فی الدین المنزل علی إرادة جبر ما یحصل منه فيه بالغرامة، لأنه أقرب المجازات إلى نفيه، بل یمكن دعوی إرادة ذلك حقيقة من النفی بلا تجوز...» (نجفی، ۱۳۶۲: ۱۵/۳۷).

(آخوند خراسانی، ۱۴۰۹: ۳۸۱)، نفی ضرر غیر متدارک (حسینی مراغی، ۱۴۱۸: ۳۲۴) و نفی به معنای نهی (موسوی خمینی، ۱۴۲۴: ۴۶۷/۳). آنچه مشهور بین فقهای امامیه است، نظر اول است. گفته شده منظور از قاعده لاضرر این است که در دین اسلام، حکم ضرری وضع نشده است. به عبارت دیگر، از آنجا که خداوند به ضرر بندگانش راضی نیست، حکمی به ضرر آنها وضع نمی‌کند و حکمی که ضرری باشد، از احکام اسلام نیست (نراقی، ۱۴۰۴: ۱۸). نکته مهمی که در این خصوص وجود دارد این است که با فرض اینکه مفهوم لاضرر، نفی حکم ضرری باشد، آیا قاعده مذکور می‌تواند مبنای جبران خسارت قرار گیرد؟ در این خصوص بین فقها اتفاق نظر وجود ندارد، لیکن فقهای مشهوری چون شیخ انصاری از قابلیت جبران ضرر به استناد قاعده مذکور دفاع نموده‌اند (انصاری، ۱۴۱۴: ۱۱۴؛ محقق داماد، ۱۳۷۳: ۸۸/۱).

در حدیث نبوی «لا ضرر ولا ضرار فی الإسلام»، کلمه ضرر در حالت نکره به کار رفته و افاده عموم می‌کند (بهرامی احمدی، ۱۳۹۰: ۱۹۹/۲). بنابراین هر ضرری از جمله ضررهای غیر مستقیم را می‌توان موضوع حکم روایت دانست. لیکن مسئله مهم‌تری که در این مقام حائز اهمیت است اینکه فقها موارد شایعی از ضرر مانند عدم‌النفع را که می‌تواند مصداقی از ضرر غیر مستقیم باشد، اساساً ضرر نمی‌دانند (نجفی، ۱۳۶۲: ۱۵/۳۷). عبارت مشهوری در فقه وجود دارد، بدین مضمون: «عدم النفع لیس بضرر»؛ یعنی عدم‌النفع ضرر نیست. فقیهان امامی غالباً به قابل جبران نبودن زیان ناشی از عدم‌النفع اذعان دارند (نراقی، ۱۴۰۴: ۱۸؛ رشتی، بی‌تا: ۲۱؛ غروی اصفهانی، ۱۴۱۴: ۴۳۶/۴)؛ لیکن از آنجا که ضرر، مفهومی عرفی است نه فقه‌ای یا حقوقی، ضرر نبودن عدم‌النفع را نیز باید منوط به آن دانست که عرف آن را تأیید نماید (بهرامی احمدی، ۱۳۹۰: ۲۰۰/۲). به همین خاطر برخی از فقیهان گفته‌اند عدم‌النفعی که مقتضی آن کامل است، ضرر محسوب

۱. «اگر کسی را از فروش متاعش منع کنند، این عمل اضرار نیست، بلکه منع از به دست آوردن منفعت است. همچنین است اگر کسی دیگری را از تعمیر و اصلاح قنات بایرش منع کند. این امور ضرر نیست، بلکه ممانعت از تحصیل نفع است».
۲. «... لأنّ التلف عبارة عن فوت الموجود... التسبب لیس من أسباب الضمان إلا من جهة كونه إتلافاً... ومعنى الإتلاف هو ما ذكرنا أعني إعدام الموجود لا منع تحقّق الوجود... نعم لو قيل إنه مستفاد من ملاحظة الأخبار... أنّ سبب الضمان أعمّ من الدفع والرفع أمكن...».

می‌شود، تا جایی که بر خلاف عقیده مشهور، مصادیق روشنی از ضرر غیر مستقیم مانند منافع انسان صنعتگر در فقه قابل جبران دانسته شده است^۱ (طباطبایی حائری، ۱۴۱۸: ۱۶/۱۴؛ عاملی جزینی، ۱۴۰۰: ۳۴۳/۱)^۲.

به هر حال گفته شده است که برای جبران ضرر عدم‌النفع، علاوه بر اینکه باید عدم‌النفع مشمول عنوان ضرر باشد، لازم است قاعده لاضرر اثبات حکم کند (سکوتی، ۱۳۹۰: ۸۷). بنابراین اگر حکم به ضمان زیان‌زننده از مفاد نظر مشهور قابل استنتاج باشد، لاضرر یکی از مبانی مهم ضررهای غیر مستقیم خواهد بود. در فقه، سوابق متعددی از استناد فقها به قاعده لاضرر برای جبران ضرر وجود دارد. حقوق‌دانان نیز از این نظر دفاع کرده‌اند (بهرامی احمدی، ۱۳۹۰: ۲۶۸/۱؛ امامی، ۱۳۷۳: ۲۴۵/۱؛ کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۴۲).

واقعیت این است که محدود نمودن کارکرد قاعده لاضرر به نفی حکم ضرری، برخلاف منطق عقل است؛ زیرا همان طور که نفی حکم ضرری مطلوب است، جبران آن نیز مطلوب و مفید است. افزون بر آنکه آثار منفی وقایع اجتماعی ناشی از عدم وجود قانون، با آثار ناشی از وضع قوانین ناکارآمد، در نهایت یکی است (محقق داماد، ۱۳۷۳: ۱۶۷/۱). در تأیید این نظر، یکی از فقهای معاصر می‌نویسد:

«به موجب قاعده لاضرر، ضرر مستند به شارع یا مردم هر دو نفی شده است. حال هر گاه به واسطه عدم جعل در موردی به کسی زیان برسد، می‌توان گفت که شارع به او ضرر زده است و یا مثلاً حبس‌کننده به مجبوس زیان رسانیده است. اگر قاعده لاضرر را شامل این مورد هم بدانیم، ضرر او جبران می‌شود و به عبارت دیگر، استناد ضرر به شارع یا مکلفان، منحصر به امر وجودی نیست؛ در عدمی‌ها نیز استناد انتساب صدق می‌کند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰: ۸۶/۱).

بنابراین چه قاعده لاضرر را شامل نفی ضررهای موجود بدانیم و چه شامل ضررهای عدمی، این قاعده هر حکم ضرری را نفی می‌نماید و نحوه جبران و مصادیق آن را نیز

۱. برای دیدن نظر مخالف ر.ک: نجفی، ۱۳۹۸: ۳۹/۳۷.
 ۲. مقدس اردبیلی و سید بحر العلوم گفته‌اند: «هر گاه کسی صنعتگری را حبس کند، اگرچه از مال او انتفاع نبرد، ضامن است؛ زیرا در این امر ضرر عظیمی است، به خاطر آنکه چه بسا خودش و عیالش از گرسنگی بمیرند. علاوه بر آنکه حابس متعددی است. مجازات عمل بد، عملی است مانند آن، که مجوز تقاص مظلوم است» (به نقل از: محقق داماد، ۱۳۷۳: ۸۷).

بر عهده عرف می‌گذارد (جعفری و مهدوی، ۱۳۹۴: ۲۶)؛ چه اینکه شارع نیز هر گونه رفتار نامتعارفی را که باعث ورود ضرر به دیگران باشد، مذموم می‌شمارد (محقق داماد، ۱۳۷۳: ۱۵۷/۱). لذا به نظر می‌رسد کسانی که کارکرد قاعده لاضرر را در ضررهای غیر مستقیم و عدم‌النفع مسلم نمی‌پذیرند، در مسیر خلاف نفع جامعه گام برمی‌دارند. حقوق مسئولیت امروزه هدفی والاتر از مجازات فاعل زیان داشته و سعی در جبران کامل ضرر دارد. قواعد فقهی از جمله لاضرر را باید در راستای تحقق این هدف به کار گرفت. حقوق‌دانان و فقها نیز باید با تفسیری پویا و کارآمد از قاعده لاضرر، حقوق مسئولیت را برای کارکرد بهتر یاری دهند (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۴۲). در حقوق اسلام، نقش لاضرر محدود به نفی ضرر نیست و هر جا که ضرر نامشروعی وارد می‌شود، یکی از اصول اساسی جبران خسارت، قاعده لاضرر است (امامی، ۱۳۷۳: ۱/۲۴۵). البته در به کارگیری این قاعده نیز نباید افراط کرد؛ به نحوی که توسل به این قاعده برای جبران تمامی خسارات، منجر به ورود خسارت به فاعل زیان گردد. لاضرر را باید به مثابه ابزاری برای اجرای عدالت و ایجاد تعادل بین روابط اجتماعی و اقتصادی به کار گرفت (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۱۵۱).

۳-۲. مقابله به مثل

از جمله ادله‌ای که در فقه برای جبران عدم‌النفع مورد استناد قرار گرفته است، آیات «فَمَنْ اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ» (بقره/ ۱۹۴) و «جَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا» (شوری/ ۴۰) است. در اینکه اتلاف مال غیر بدون اجازه صاحب مال، مصداق تعدی و تجاوز است، تردیدی وجود ندارد (یوسفی، ۱۳۹۷: ۳۵)؛ اما در اینکه آیه مذکور صرفاً دلالت بر حکم تکلیفی دارد یا اینکه شامل حکم وضعی نیز می‌گردد، در فقه اختلاف است. برخی فقها مفاد آیه اعتدال را صرفاً مفید حکم تکلیفی می‌دانند. ایشان مفهوم قسمت اخیر ماده را نیز صرفاً تقاص و مقابله به مثل می‌دانند نه جبران ضرر (انصاری، ۱۴۱۵: ۳۱۴/۶). این ایراد فقهی در حقوق نیز مورد توجه قرار گرفته است (نقیبی و زارچی‌پور، ۱۳۹۷: ۱۳۳). اما برخی دیگر از فقها استدلال نموده‌اند اینکه صرفاً مفاد آیه را مجوزی برای تقاص بدانیم، صحیح نیست؛ بلکه اجازه شارع به مقابله به مثل را باید

به معنای ضمان گرفت (موسوی خمینی ۱۴۱۰: ۳۲۵/۱). در تأیید این نظر گفته شده که تجویز اخذ مثل به معنای ضمان است (محقق داماد، ۱۳۷۳: ۱۱۰/۱؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۹۱: ۱۴/۴)؛ همچنان که برخی فقها مانند مقدس اردبیلی و سید بحر العلوم به دلالت آیات یادشده، حکم به ضمان حبس‌کننده شخص صنعتگر داده‌اند (حسینی عاملی، ۱۳۹۱: ۸۵/۱۸؛ محقق داماد، ۱۳۷۳: ۸۷/۱؛ اردبیلی، ۱۴۰۳: ۵۱۳/۱۰). حتی در خصوص میزان ضمان نیز نباید تردید به خود راه دهیم؛ چه اینکه آیه مذکور در تعیین میزان ضرر قابل جبران ابهامی ندارد و میزان آن تا میزان مثل آن چیزی است که مورد تعدی و تجاوز قرار گرفته است (یوسفی، ۱۳۹۷: ۳۶).

حقوق دانان معتقدند که جبران خسارات ناشی از اعتماد متعارف را که به طور غیر مستقیم به زیان دیده وارد می‌شود، می‌توان با توسل به قاعده جواز مقابله به مثل تجویز نمود؛ چه اینکه با نقض عهد، هزینه‌ها و زیان‌هایی که خواهان با اتکای به اجرای قرارداد متحمل شده، بدون دلیل در دست طرف دیگر باقی می‌ماند (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۱: ۱۴/۴)، حال آنکه سبب این امر، نقض عهد خواننده بوده است. لذا قاعده جواز مقابله به مثل می‌تواند از بروز این ضرر ناعادلانه جلوگیری کند (شاهنوش فروشانی و صفری، ۱۳۹۴: ۱۳). البته این نظر در جایی که هزینه‌های به عمل آمده از سوی خواهان به کیسه خواننده ریخته شده، منطقی به نظر می‌رسد؛ اما در جایی که خواهان، هزینه‌های ناشی از اعتماد به طرف قرارداد را در جای دیگری پرداخت کرده است، اعتقاد به اینکه جبران ضرر وارده مقابله به مثل است، کمی دشوار به نظر می‌رسد.

۲-۴. احترام

به موجب قاعده «حرمة مال مؤمن كحرمة دمه»، تصرف و تجاوز به اموال دیگران بدون رضایت و اذن آن‌ها حرام است.^۱ گفته شده به استناد این قاعده، اولاً حرمت تجاوز به اموال مؤمنان، ثانیاً ضمان متجاوز کشف می‌شود (یوسفی، ۱۳۹۷: ۳۶). اما آیا می‌توان مفاد قاعده را شامل منافع مورد انتظار و ضررهای غیر مستقیم دانست؟ دو

۱. مستند این قاعده، حدیث موثقی است از ابوبصیر بدین مضمون: «عن أبي جعفر عليه السلام قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله: سباب المؤمن فسوق وقتاله كفر وأكل لحمة معصية وحرمة ماله كحرمة دمه» (حرر عاملی، ۱۴۱۴: باب تحریم اغتیاب المؤمن، ح ۱۲).

اشکال برای استناد به این قاعده به عنوان مبنای ضررهای غیر مستقیم وجود دارد. نخست اینکه اساساً قاعده تصریح در اموال دارد نه فوت منافع. دوم اینکه مفاد قاعده تنها بیانگر حکم تکلیفی است و دلالتی بر حکم وضعی ندارد (غروی اصفهانی، ۱۴۱۸: ۲/۲۹۰؛ موسوی خویی، ۱۴۱۷: ۳/۹۰؛ موسوی قزوینی، ۱۴۱۹: ۲۱۰). فقهای مخالف ضمن تأکید بر متن روایت معتقدند که در حدیث مذکور قبل از بیان احترام مال مؤمن، سه حکم وجود دارد که عبارت‌اند از: حرمت دشنام، کشتن و غیبت کردن در مورد مؤمن. هر سه حکم نیز ناظر بر تکلیف هستند نه وجوب ضمان (طباطبایی حکیم، ۱۴۰۴: ۲۳۹؛ حسینی روحانی، ۱۴۱۴: ۱۹/۴۱۸؛ آخوند خراسانی، ۱۴۰۶: ۳۴). لیکن در پاسخ فقهای مخالف گفته شده که سه حکم نخست روایت، راجع به اعمال مکلف هستند؛ در حالی که در مورد چهارم، بیان روایت تغییر کرده و احترام مال مؤمن به مانند احترام خون او معرفی شده است. از آنجا که در مسئله دماء علاوه بر حرمت، جبران ضرر نیز وجود دارد، در مسئله مال نیز قاعداً باید جبران ضرر را مسلم فرض نمود (محقق داماد، ۱۳۷۳: ۱/۱۱۰). همچنین موافقان با استناد به روایت «لا یحل مال امرئ مسلم إلا عن طیب نفسه»، حکم به جبران ضرر داده‌اند (انصاری، ۱۴۱۵: ۳/۲۰۴؛ مروج جزائری، ۱۴۱۶: ۳/۱۲۴؛ موسوی سبزواری، بی‌تا: ۱۶/۲۵۹). از میان فقهای موافق، شیخ انصاری با وجود اینکه مفاد قاعده را مؤید حکم وضعی می‌داند، احترام مال مؤمن را صرفاً در از بین رفتن عین اموال و اتلاف بلاعوض آن می‌داند و اعتقاد دارد که اگر منفعتی بدون استیفا فوت شود، عنوان اتلاف بر آن صدق نمی‌کند تا بتوان به استناد قاعده احترام، حکم به جبران آن داد. به هر تقدیر، چنانچه ضررهایی را که هنوز محقق نشده‌اند، لیکن تحقق آن‌ها مسلم فرض می‌شوند، در زمره اموال به شمار آوریم، مفاد قاعده را می‌توان به عنوان مبنای جبران ضرر غیر مستقیم پذیرفت.

۲-۵. بنای عقلا

منظور از بنای عقلا، استمرار روش و عمل قاطبه عقلا در گفتار، رفتار و سایر روابط اجتماعی ایشان بدون در نظر گرفتن قومیت، مذهب و سایر امور از این دست است (انصاری و طاهری، ۱۳۸۸: ۱/۳۸۲). این عرف همیشه و در همه جا توسط عقلا رعایت می‌شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۲: ۱۱۴).

هرچند پذیرش تمامی ضررهای غیر مستقیم به حکم عقل، امری محال و غیر ممکن است، لیکن سیره عملی خردمندان نشان می‌دهد که ایشان ضررهای غیر مستقیم را به طور مطلق نفی نمی‌نمایند (جعفری و مهدوی، ۱۳۹۴: ۲۹؛ شکاری، ۱۳۸۰: ۱۰۷)؛ برای مثال در فرضی که راننده تاکسی در اثر حادثه تصادفی که مقصر آن شخص دیگری است، متحمل ضررهای بدنی و مالی وارده به خود و اتومبیلش می‌شود، خردمندان در امکان مطالبه ضرر از دست دادن درآمد وی تردید نمی‌کنند.

به لحاظ عقلی، هر کس مسئول اعمال و رفتار خویش است و اجرای عدالت حکم می‌کند که بار گناه کسی را دیگری به دوش نکشد (خادم سربخش و سلطانی نژاد، ۱۳۹۲: ۲۷؛ نقیبی و زارچی پور، ۱۳۹۷: ۱۳۳)؛ لذا قابلیت جبران ضررهای غیر مستقیمی که رابطه عرفی با حادثه زیانبار دارند، معقول و منطقی است (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۲۴۶/۴). علاوه بر حقوق (نقیبی و زارچی پور، ۱۳۹۷: ۱۳۳)، در فقه نیز مواردی می‌توان یافت که برای جبران ضرر مورد انتظار و غیر مستقیم، به بنای عقلا استناد شده است (حسینی مراغی، ۱۴۱۷: ۳۱۲/۱؛ حسینی سیستانی، ۱۴۱۴: ۲۹۰؛ محقق داماد، ۱۳۸۴: موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹: ۱۸۱/۴؛ موسوی خمینی، ۱۴۱۰: ۳۲۳/۱). معمولاً گفته می‌شود که در پذیرش مبنای عقلی، عدم ردع کافی است و نیازی به تأیید شرع نیست (مرعشی شوشتری، ۱۴۲۷: ۶۱؛ اصغری، ۱۳۸۴: ۳۹). بنابراین با توجه به عدم نهی شارع، بنا بر اصل اباحه می‌توان به طور استثنایی حکم به جبران برخی از ضررهای غیر مستقیم داد.

نتیجه گیری

فلسفه جبران ضررهای غیر مستقیم در حقوق ایران و انگلیس متفاوت است. در انگلستان اگرچه محدودیت‌هایی برای پرداخت خسارت وجود دارد، لیکن رویه قضایی در هر مورد، به طور خاص و موردی حکم به جبران ضرر می‌دهد. تئوری‌های کهن و نو، راهگشای قضات انگلیس در جبران ضررهای غیر مستقیم هستند. اگرچه محاکم به طور صریح در آرای خود به این مبانی اشاره نمی‌نمایند، لیکن تأثیر این مبانی در تصمیم دادگاه‌های انگلیس کاملاً مشهود است. در حقوق ایران، ضرر غیر مستقیم علی‌الاصول قابلیت جبران ندارد؛ لیکن اصول و قواعدی در فقه و حقوق ایران وجود

دارد که از تدقیق در مفاد آنها این نتیجه حاصل می‌شود که هدف آنها ایجاد تعادل واقعی بین وضعیت زیان‌دیده و زیان‌زننده است. مقصود حقوق مسئولیت مدنی از تفکیک ضرر مستقیم و غیر مستقیم، جلوگیری از بی‌عدالتی و برهم خوردن تعادلی است که قبل از بروز ضرر وجود داشته است. عدالت اقتضا دارد که ضرر غیر مستقیم نیز در برخی موارد که عرف رابطه سببیت بین ضرر و فعل زیانبار را محکم می‌بیند، جبران‌شدنی باشد. برای رسیدن به چنین عدالتی، مبانی محکمی در فقه و حقوق ایران وجود دارد و از میان مبانی موجود، سببیت و لاضرر کارکرد بهتری نسبت به سایر مبانی دارند. سوابق فقهی و حقوقی نشان از ظرفیت بالای این دو مبنا برای جبران ضررهای غیر مستقیم در موارد استثنایی دارند. حقوق مسئولیت باید مبانی موجود را به نحوی به کار گیرد که علاوه بر جبران کامل خسارات زیان‌دیده، از تحمیل هزینه بی‌مورد به فاعل زیان جلوگیری کند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کتاب‌شناسی

۱. آخوند خراسانی، محمدکاظم بن حسین، حاشیه کتاب المکاسب، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۰۶ ق.
۲. همو، کفایة الاصول، قم، مؤسسة آل البيت (علیهم السلام) لاحیاء التراث، ۱۴۰۹ ق.
۳. اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائدة والبرهان فی شرح ارشاد الازدهان الی احکام الایمان، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳ ق.
۴. اصغری، سیدمحمد، «بناء عقلا»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۷۰، زمستان ۱۳۸۴ ش.
۵. امامی، سیدحسن، حقوق مدنی، تهران، اسلامیة، ۱۳۷۳ ش.
۶. انصاری، علی، و حجت مبین، «نظریه قابلیت انتساب در حقوق مسئولیت مدنی؛ مطالعه تطبیقی در فقه امامیه و حقوق فرانسه»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره پانزدهم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۰ ش.
۷. انصاری، مرتضی بن محمدامین، رسائل فقهیه، قم، مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۱۴ ق.
۸. همو، کتاب المکاسب، قم، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۵ ق.
۹. انصاری، مسعود، و محمدعلی طاهری، دانشنامه حقوق خصوصی، تهران، جنگل - جاودانه، ۱۳۸۸ ش.
۱۰. بادینی، حسن و دیگران، «تأثیر اصل جبران کامل خسارات در شیوه‌های عینی و انتزاعی ارزیابی خسارت در بیع بین‌المللی کالا»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره بیستم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۵ ش.
۱۱. بارراگراف، جورج و دیگران، تفسیری بر حقوق بین‌المللی، ترجمه مهرباب داراب‌پور، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۴ ش.
۱۲. بهرامی احمدی، حمید، ضمان قهری؛ «مسئولیت مدنی»، تهران، دانشگاه امام صادق (علیهم السلام)، ۱۳۹۱ ش.
۱۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۲ ش.
۱۴. جعفری، جمیله، و سیدمحمدهادی مهدوی، «بررسی فقهی ضمان از دست رفتن فرصت»، فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، سال یازدهم، شماره ۴۱، پاییز ۱۳۹۴ ش.
۱۵. حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، تصحیح عبدالرحیم ربانی شیرازی، تهران، کتابچی، ۱۳۷۶ ش.
۱۶. حسینی روحانی، سیدمحمدصادق، فقه الصادق (علیهم السلام)، چاپ سوم، قم، دارالکتاب، ۱۴۱۴ ق.
۱۷. حسینی سیستانی، سیدعلی، قاعدة لا ضرر ولا ضرار، قم، دفتر آیه‌الله سیستانی، ۱۴۱۴ ق.
۱۸. حسینی عاملی، سیدمحمدجواد بن محمد، مفتاح الکرامة فی شرح قواعد العلامه، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۹۱ ش.
۱۹. حسینی مراغی، سید میرعبدالفتاح بن علی، العناوین الفقهیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ ق.
۲۰. حیاتی، علی عباس، حقوق مدنی (۴)؛ مسئولیت مدنی، تهران، میزان، ۱۳۹۲ ش.
۲۱. خادم سربخش، مهدی، و هدایت‌الله سلطانی نژاد، «اصل قابلیت جبران کلیه خسارات»، مبانی فقهی حقوق اسلامی، سال ششم، شماره ۱۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۲ ش.
۲۲. راف، آنه، قواعد حقوق قرارداد انگلستان از دید رویه قضایی، ترجمه سیدمهدی موسوی، تهران، میزان، ۱۳۹۰ ش.
۲۳. رشتی، میرزا حبیب‌الله، کتاب الغصب، بی‌جا، بی‌تا.
۲۴. سکوتی، رضا، و نگار شمالی، «جایگاه عدم‌النفع در نظام حقوقی ایران»، نشریه فقه و حقوق اسلامی، سال اول، شماره ۲-۱، تابستان ۱۳۹۰ ش.

۲۵. شاهنوش فروشانی، محمد عبدالصالح، و محسن صفری، «ارزیابی خسارات ناشی از نقض قرارداد و ماهیت مسئولیت قراردادی»، پژوهشنامه حقوق خصوصی عدالت، سال دوم، شماره ۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۴ ش.
۲۶. شکاری، روشنعلی، «نقد و بررسی تبصره ۲ ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی (عدم النفع)»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی (دانشگاه تهران)، شماره ۵۲، تابستان ۱۳۸۰ ش.
۲۷. صفایی، سیدحسین، و حبیب‌الله رحیمی، مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)، تهران، سمت، ۱۳۹۳ ش.
۲۸. طباطبایی حائری، سیدعلی بن محمدعلی، ریاض المسائل فی بیان الاحکام بالادلة، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، لاحیاء التراث، ۱۴۱۸ ق.
۲۹. طباطبایی حکیم، سیدمحسن، مستمسک العروة الوثقی، قم، مکتبه السید المرعشی، بی تا.
۳۰. عاملی جزینی (شهید اول)، محمد بن جمال‌الدین مکی، القواعد والفوائد، نجف، مفید، ۱۴۰۰ ق.
۳۱. غروی اصفهانی (کمپانی)، محمدحسین، حاشیه المکاسب، قم، انوار الهدی، ۱۴۱۸ ق.
۳۲. همو، نهایی الدرایی فی شرح الکفایه، قم، مؤسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث، ۱۴۱۴ ق.
۳۳. قسمتی تبریزی، علی، «اصل جبران کامل زیان»، نشریه مطالعات فقه و حقوق اسلامی، سال هفتم، شماره ۱۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۴ ش.
۳۴. کاتوزیان، ناصر، الزام‌های خارج از قرارداد: ضمان قهری، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۲ ش.
۳۵. محقق داماد، سیدمصطفی، قواعد فقه (بخش مدنی)، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۷۳ ش.
۳۶. مدرسی، سیدمحمدتقی، الوجیز فی الفقه الاسلامی، قم، دار الاستقلال، ۱۴۲۵ ق.
۳۷. مرعشی شوشتری، سیدمحمدحسن، دیدگاه‌های نو در حقوق، تهران، میزان، ۱۴۲۷ ق.
۳۸. مروج جزائری، سیدمحمدجعفر، هدی الطالب فی شرح المکاسب، قم، دار الکتب، ۱۴۱۶ ق.
۳۹. مکارم شیرازی، ناصر، القواعد الفقهیه، چاپ سوم، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع)، ۱۳۷۲ ش.
۴۰. موسوی بجنوردی، سیدمحمد، قواعد فقهیه، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۸۵ ش.
۴۱. موسوی خمینی، سیدروح‌الله، تهذیب الاصول، تقریر جعفر سبحانی تبریزی، قم، عروج، ۱۴۲۴ ق.
۴۲. همو، کتاب البیع، چاپ چهارم، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۰ ق.
۴۳. موسوی سبزواری، سیدعبدالاعلی، مهذب الاحکام فی بیان الحلال والحرام، چاپ چهارم، قم، المنار، بی تا.
۴۴. موسوی قزوینی، سیدعلی، رساله فی العداله، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۹ ق.
۴۵. نجفی، محمدحسن بن باقر، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۶۲ ش.
۴۶. همو، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۹۸ ش.
۴۷. نجم‌آبادی، میرزا ابوالفضل، الرسائل الفقهیه، تقریرات مباحث نائینی و عراقی، قم، مؤسسه آیه‌الله العظمی بروجردی، ۱۴۲۱ ق.
۴۸. نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی، عوائد الایام فی بیان قواعد الاحکام و مهمات مسائل الحلال و الحرام، قم، مکتبه بصیرتی، ۱۴۰۸ ق.
۴۹. نعمت‌اللهی، اسماعیل، «بررسی خسارت انتظار ناشی از نقض قرارداد در کامن‌لا و حقوق ایران»، فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، سال سوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۵ ش.
۵۰. نقیبی، سیدابوالقاسم، و روح‌الله زارچی پور، «نظریه جبران خسارت عدم‌النفع محقق‌الحصول در فقه امامیه»، فصلنامه جستارهای فقهی و اصولی، سال چهارم، شماره ۱۱، تابستان ۱۳۹۷ ش.

۵۱. یوسفی، علی، *اصل جبران کامل خسارت در حقوق مسئولیت مدنی*، تهران، جنگل جاودانه، ۱۳۹۷ ش.
52. Alpa, Guido & Alberto Giampieri, "Law and Economics and method analysis: the contractual damages issue", <<http://www.jus.unitn.it/cardozo/Review/Contract/Alpa-1995/alpa2.html#Law>>, Accessed 2019 October 11.
53. Bell, John & Others, *Principles of French Law*, New York, Oxford University Press, 1998.
54. Cooke, John, *Law of Tort*, 9th Ed., London, Pearson Education Limited, 2009.
55. Dobbs, Dan B., *Law of Remedies, Damages - Equity - Restitution*, 2nd Ed., United States, Eagan, Minnesota, West Publishing Co., 1993.
56. Eisenberg, Melvin A., "The Disgorgement Interest in Contract Law", *Michigan Law Review*, Vol. 105(3), University of California at Berkeley, 2006, Available at: <<https://repository.law.umich.edu/mlr/vol105/iss3/3>>.
57. Elliott, Catherine & Frances Quinn, *Tort Law*, 7th Ed., England, Pearson Education Limited, 2009.
58. Friedmann, Daniel, "A Comment on Fuller and Perdue, The Reliance Interest in Contract Damage", *Issues in Legal Scholarship*, 2001.
59. Fuller L. L. & William R. Perdue, "The Reliance Interest in Contract Damages", *The Yale Law Journal*, Vol. 46(1), Nov., 1936, Available at: <<http://www.jus.uio.no/pace/reliance>>.
60. Garner, Bryan A., *Black's Law Dictionary*, West Publishing Co., 2004.
61. Gold, Andrew S., "A Property Theory of Contract", *Northwestern University Law Review*, Vol. 103(1), 2009.
62. Holmes, Oliver Wendell, "The Path of the Law", *10 Harvard Law Review* 457, 1897.
63. Kull, Andrew, "Rescission and Restitution", *The Business Lawyer*, Vol. 61(2), 2006, Available at: <<http://www.bu.edu/lawlibrary/facultypublications/kull>>.
64. Lapoyade-Deschamps, Christian, *dommages-intérêts*, Rép. Civ. Dalloz, 1997.
65. Markesinis, Basil & Simon Deakin, *Tort Law*, 6th Ed., Britain, Clarendon Press, Oxford, 2007.
66. Stone, Richard, *The Modern Law of Contract*, 6th Ed., Cavendish Publishing, 2002.
67. Tettenborn, Andrew, "Consequential Damages in Contract - The Poor Relation", *Loyola of Los Angeles Law Review*, Vol. 42, Available at: <<http://digitalcommons.lmu.edu/llr/vol42/iss1/7>>, 2008.
68. Wijck, Peter Van & Jan Kees Winters, "The Principle of Full Compensation in Tort Law", *European Journal of Law and Economics*, Vol. (11)3, Kluwer Academic Publishers, Manufactured in the Netherlands, 2001.